

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی  
حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

حضرت امام صادق علیه السلام

۹

راهنمایی به سوی حقایق

۳۰ شهریور ۱۳۹۰

۲۲ شوال المکرم ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

## دین الحجة

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في كتابه الكريم :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾<sup>(۱)</sup> .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و همراه با صادقان باشید .

خداوند متعال در تعدادی از آیات قرآن مجید ، بندگان اش را مورد خطاب قرار داده و مستقیماً با آنان سخن می‌گوید . مخاطب پروردگار گاهی انسان و همه‌ی افراد بشر هستند و گاهی تمام مسلمین و گاهی فقط مؤمنان . گذشته از انسان که تمام افراد بشر را بدون توجه به دین‌شان شامل می‌شود ، تفاوت بین انسان مسلمان و مؤمن این است که مسلمان ، فقط شهادت به یگانگی پروردگار و شهادت به رسالت رسول خدا ﷺ را به زبان جاری می‌کند ؛ اما مومن به فردی گفته می‌شود که با همه‌ی وجود ؛ در زبان و در قلب ، اسلام را پذیرفته است و پذیرای پیک و منادی وحی می‌باشد .

قرآن مجید در آیه‌ی ۱۱۹ سوره‌ی توبه با مخاطب قرار دادن مؤمنان ، ایشان را به دو دستور مهم ، مکلف می‌کند : ۱ . تقوا پیشه کردن ۲ . همراهی با سیره و روش زندگی صادقان .

۱ . سوره توبه ، آیه ۱۱۹ .

## تقوا و مراتب آن

راغب اصفهانی، واژه‌ی «تقوا» را به خوبی تعریف می‌کند. وی می‌نویسد «تقوا»

یعنی

«جعل النفس في وقاية مما يخاف»<sup>(۱)</sup>.

در محافظت قرار دادن نفس، از آنچه مورد هراس است.

طبق این تعریف، انسان برای رسیدن به تقوای الهی، باید روشی را در زندگی

اتخاذ کند که مانع از پیروی او از خواهش‌های نفسانی شود.

تقوا از جمله مفاهیمی است که دارای مراتب و مدارج می‌باشد. ممکن است

کسی متقی باشد؛ اما در مراحل ابتدایی تقوا قرار گرفته باشد و ممکن است افراد

باتقوایی وجود داشته باشند که مراتب بالاتری از تقوا را طی کرده‌اند. پروردگار

سبحان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا  
وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>.

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها

قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی

ترین شما نزد خداوند **باتقواترین** شماست.

با توجه به کلمه‌ی «أتقاکم» در این آیه‌ی شریف، روشن می‌شود که برخی

دارای تقوا هستند و بعضی با قرار گرفتن در مراتب بالاتر، اتقی و با تقواتر محسوب

می‌شوند.

۱. مفردات راغب، صفحه ۵۳۰.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۳.

غیر از تقوا، ایمان نیز دارای مراتب و مراحل می باشد. حضرت ۱۴۲  
امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

« إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَبْدُو لِمَعَةِ بِيضَاءٍ وَإِذَا عَمِلَ الْعِبَادُ الصَّالِحَاتِ نَمَا وَزَادَ حَتَّى يَبْيُضَ الْقَلْبَ كُلَّهُ »<sup>(۱)</sup>.

همانا ایمان در ابتدا، به صورت پرتوی از نور پدیدار می شود و زمانی که بنده، اعمال صالح و شایسته ای انجام دهد، آن نور رشد می کند و زیاد می شود، تا اینکه تمام قلب، نورانی می شود.  
با روشن شدن تعریف تقوا و این مطلب که تقوا دارای درجات و مراتب است، برخی از آیات مربوط به آثار تقوا را مرور می کنیم؛ گرچه در مباحث گذشته، به شکل تفصیلی، آثار تقوا را در آیات و روایات برشمردیم<sup>(۲)</sup>.  
خداوند در قرآن می فرماید:

الف - ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾<sup>(۳)</sup>.

اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد.

ب - ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾<sup>(۴)</sup>.

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می دهد.

۱. بحار الأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۱۹۶؛ از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۴۰۶؛

تفسیر قرطبی، جلد ۴، صفحه ۲۸۰ (با اندکی تفاوت).

۲. برای اطلاع بیشتر به جزوه ۱۳۶ از جزوات به سوی معرفت رجوع نمایید.

۳. سوره انفال، آیه ۲۹.

۴. سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

### ج - ﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾<sup>(۱)</sup>.

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزکار خود، به ارث می‌دهیم. بر اساس این آیات شریف، ثمرات و آثار ارزشمندی برای «تقوا» ثابت می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. بصیرت و راه رسیدن به روشن بینی و قدرت تشخیص حق از باطل. ۲. راه نجات الهی. ۳. روزی و رزق از جایی که انسان احتمال نمی‌دهد. ۴. بهشت.

#### همراهی با صادقان

خداوند بعد از سفارش به تقوا، به مؤمنین فرمان می‌دهد که باید «صادقان» را الگو و سرمشق زندگی خودشان قرار دهند. برای آشکار شدن مصادیق «صادقین» در قرآن، ابتدا باید این واژه را معنا کرد.

طبق تعریف علمای اخلاق، صادق به کسی می‌گویند که رفتار و کرداراش، مطابق با اعتقاد و باورهای درونی‌اش باشد و اگر خبری را بازگو می‌کند، با واقعیت، هماهنگ باشد؛ بنابراین اگر شخصی، فرد ثروتمندی است؛ اما در فضای جامعه، لباس مندرس و کهنه‌ای بپوشد، این شخص، انسانی کاذب است و در رفتار خود، دچار دروغ شده است؛ گرچه در سالیان اخیر متأسفانه یکی از محرماتی که از زشتی آن کاسته شده است، دروغ‌گویی است.

نکته‌ای که اشاره‌ی آن ضروری به نظر می‌رسد، این است که خداوند نمی‌فرماید: «وكونوا من الصادقين»؛ بلکه انسان را به همراهی با «صادقین» موظف می‌نماید. به عبارت دیگر پروردگار فرمان نمی‌دهد که مؤمنین، باید از جمله‌ی راست‌گفتاران و راست‌کرداران باشند؛ (البته از سوی دیگر، همگان باید

۱. سوره مریم، آیه ۶۳.

گفتارشان ، مطابق با واقع باشد و نفاق و دورویی در اعمالشان پدیدار نشود) اما ۱۴۲ چون مصداق انحصاری «صادقین» حضرات معصومین علیهم السلام هستند ، لذا خداوند متعال در این آیه فقط دستور همراهی با آنها را داده و متقیان را از زمره‌ی صادقین قرار نداده است . به این دلیل که ایشان علیهم السلام ، دارای مقام مصونیت از گناه‌ها و لغزش‌ها هستند و می‌توانند پیروان خود را از هرگونه خطا و اشتباه ، محافظت نمایند . به عنوان نمونه ، اگر کسی آدرس منزلی را از شما بپرسد و شما هم آن مکان را بدانید ، می‌گویید : همراه من بیا تا به شما نشان بدهم . این گفته‌ی شما ، به این معناست که بدون هیچ خطا و اشتباهی ، آن شخص را به مقصد می‌رسانید . حضرات معصومین علیهم السلام نیز به دلیل آشنایی و آگاهی کامل از مسیر الهی ، انسان را به مقصد نهایی‌اش که همان تقرب و نزدیکی به بارگاه الهی است ، می‌رسانند . علاوه بر آن ، خداوند ، هیچ‌گاه به انسان دستور تبعیت و پیروی از کسانی را که خود ، دچار انحراف هستند ، نمی‌دهد ؛ زیرا اگر راهبران مسیر الهی ، دچار خطا و اشتباه باشند ، پیروان خود را نیز از مسیر حق ، منحرف کرده و فرمان خداوند حکیم ، لغو شده و نقض غرض می‌گردد ؛ در حالی که از حکیم ، کار لغو صادر نمی‌شود .

#### ولادت حضرت امام صادق علیه السلام

یکی از مصداق صادقان حقیقی ، حضرت امام صادق علیه السلام می‌باشند . عقول تمامی افراد بشر از شناخت مقام این امام علیه السلام عاجز و ناتوانند و بازگو کردن این مطلب ، اغراق نمی‌باشد . بسیاری از بزرگان در گذشته ، بر عجز و ناتوانی خویش در بیان اوصاف شخصیت امام علیه السلام ، اعتراف کرده‌اند و گفته‌اند : اعلم‌تر و افقه‌تر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در عصر خودشان یافت نمی‌شود مانند اعترافات ابوحنیفه <sup>(۱)</sup> .

۱. ر. ک: بحار الأنوار، جلد ۴۷، صفحه ۲۱۷؛ از منابع اهل سنت: سیر اعلام النبلاء، جلد ۶، صفحه ۲۵۷.

حضرت علیه السلام بنا بر نظر اغلب علما، در سال ۸۳ هـ ق متولد شدند<sup>(۱)</sup>؛ اما بعضی از علما معتقدند، ایشان علیه السلام در سال ۸۰ هـ ق به دنیا آمدند<sup>(۲)</sup>. بنا بر اینکه زمان شهادت حضرت امام سجاد علیه السلام سال ۹۰ هـ ق بوده است، طبق قول اول، ایشان علیه السلام ۷ سال و طبق قول دوم، ۱۰ سال، جد بزرگوارشان حضرت امام سجاد را درک نموده‌اند. ایشان علیه السلام تا سال ۱۱۴ هـ ق، همراه با پدر بزرگوارشان؛ حضرت امام باقر علیه السلام زندگی نمودند و بعد از شهادت پدر، تا سال ۱۴۸ هـ ق، انجام وظایف مقام امامت را بر عهده داشتند. در بین حضرات معصومین علیهم السلام، طول عمر حضرت امام صادق علیه السلام (۶۵ یا ۶۸ سال)، بیشتر از دیگر امامان علیهم السلام بوده و لقب «شیخ الائمه علیهم السلام» (مسن ترین امامان علیهم السلام) را به همین جهت دارا هستند. ایشان علیه السلام از سال ۱۳۲ هـ ق؛ زمان سقوط حکومت بنی امیه؛ تا سال ۱۴۸ هـ ق (حدود ۱۶ سال) حکومت بنی عباس را درک نموده‌اند.

### شرایط حاکم بر جامعه در زمان حضرت امام صادق علیه السلام

برای شناخته شدن عظمت فعالیت‌های علمی حضرت امام صادق علیه السلام و تربیت شاگردان فراوان، لازم است شرایط حاکم در زمان ایشان علیه السلام، به خوبی تبیین شود. بعد از طلوع خورشید نبوت و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تحولی عظیم در عرصه‌ی اعتقادی و اجتماعی مردمان عرب روی داد؛ زیرا زندگی آنان، قبل از پیدایش نبوت حضرت صلی الله علیه و آله و سلم، بسیار رقت آمیز و مشقت بار بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف زندگی اعراب قبل از بعثت، می‌فرماید:

«وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ! مَنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَحَيَاتٍ صُمٍّ،

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۷، صفحه ۱.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴، پاورقی صفحه ۶۵.



تشربون الکدر و تأکلون الجشِب ، الأَصْنَامُ فیکم منصوبه و الأثام بکم  
معصوبه»<sup>(۱)</sup>.

و شما مردم عرب! منزلگاه تان سنگستان‌های ناهموار، همنشین تان  
مارهای زهردار، آب تان تیره و ناگوار، خوراک تان گلوآزار، بت‌های تان  
همه جا برپا و سر تا سر وجودتان آلوده به خطا بود.

بعد از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مردم راه و رسم کمال و هدایت را فرا گرفتند و  
انقلاب بزرگی در زندگی فردی و اجتماعی آنان، ایجاد شد. اما این تحول، دوام  
زیادی نداشت و بعد از شهادت جانگداز حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خلفای سه‌گانه،  
مردم را از مسیر کمال و هدایت، منحرف کردند. وضعیت فکری جامعه، به گونه‌ای  
متغیر شد که بعد از هلاکت عثمان که مردم برای پذیرفتن زمام‌داری و حکومت، به  
محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند، حضرت علیه السلام فرمودند:

«دعوني والتمسوا غیري وأنّ الآفاق قد أغامت والمحجّة قد  
تنكرت»<sup>(۲)</sup>.

مرا رها کنید و دیگری را به زمام‌داری برگزینید، همانا سر تا سر دنیا را  
فتنه پوشیده است و راه راست ناشناخته گردیده است.

هیچ یک از اوصاف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همچون صداقت، راستگویی، اعتقاد به  
توحید و نبوت و قیامت، در خلفای غاصب از ایشان صلی الله علیه و آله و سلم نمودار نبود. عبدالله بن  
عمرو عاص می‌گوید: روزی پدرم عمرو عاص، معاویه را لعن می‌کرد. از او پرسیدم:  
تو از مریدان معاویه بودی، چرا او را لعن می‌کنی؟ عمرو عاص در جواب گفت:  
معاویه می‌گوید: من در این مقام سلطنت، ندای شهادت به توحید و نبوت را به کلی  
از بین خواهم برد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۲.

حاکمان بعد از پیامبر ﷺ می دانستند که برای دوام حکومت شان، باید سطح ادراک و آگاهی مردم جامعه را پایین نگه دارند و آنها را از حقیقت دین مبین اسلام دور کنند. در زمان حیات ائمه اطهار علیهم السلام، در اثر تبلیغات و فعالیت های حاکمان غاصب، ارزش های دینی به تدریج فراموش شد و ضد ارزش ها، جایگزین ارزش ها شده بود؛ تا جایی که حاکمان ظالم، برای دستیابی به منافع خودشان، واقعیت های تاریخی را دستخوش تحول قرار دادند. ابن عساکر نقل می کند:

« دخلت مسجد دمشق، فقلت: هذا بلدٌ قد دخله جماعة من أصحاب رسول الله ﷺ، وملتُ إلى حلقة في صدرها شيخ جالس، فجلست إليه، فسألته رجل مَمَّن بين يديه، فقال: يا أبا الملهب! «مَنْ عَلِيٌّ بن أَبِي طالبٍ؟» قال: «خُنَّاقٌ كان بالعراق! اجتمعت إليه جمیعة قصد أمير المؤمنين [معاوية] يحاربه، فینصره الله عليه» قال: فاستعظمتُ ذلك وقيمتُ فرأيتُ في جانب المسجد، شيخاً يصلي ساريه حسن السميت والصلاة والهيئة، فقعدتُ إليه، فقلتُ له: يا شيخ! أنا رجل من أهل العراق، جلستُ إلى تلك الحلقة فقصصْتُ عليه القصة فقال لي: «في هذا المسجد عجائبٌ، بلغني أن بعضهم يطعن على أبي محمد حجاج بن يوسف، فعليٌّ بن أبي طالبٍ عليٌّ من هو؟»<sup>(۱)</sup>.

وارد مسجد دمشق شدم. با خودم گفتم اینجا شهری است که عده ای از صحابه ی رسول خدا ﷺ در آنجا وارد شده اند. به سوی حلقه ای از مردم در مسجد رفتم که در صدر مجلس، عالمی نشسته بود. همان جا کنار عالم نشستم. در این جلسه، یکی از حاضران که مقابل عالم نشسته بود، سؤالی کرد: ای ابا الملهب! علی بن ابی طالب علیٌّ چه کسی است؟

۱. تاریخ مدینة دمشق، جلد ۱، صفحه ۳۶۵.

آن عالم گفت: علی علیه السلام، دزد طاغی بود که در عراق زندگی می‌کرد و علیه معاویه طغیان کرد و خدا، معاویه را بر او پیروز کرد. از این مطلب در شگفت شدم و از آنجا بلند شدم. در گوشه‌ی دیگری از مسجد، پیرمرد دیگری بود که مشغول نماز بود. او چهره‌ی ملکوتی و زیبایی داشت و نماز را با سوز و گداز اقامه می‌کرد. نزد او نشستم و گفتم: ای شیخ! من مردی از سرزمین عراق هستم و در میان آن حلقه نشستم و بقیه‌ی داستان را برای او تعریف کردم. آن شیخ به من گفت: در این مسجد، چیزهای عجیبی وجود دارد. بعضی از افراد، حجاج بن یوسف را مورد سرزنش قرار می‌دهند. پس علی بن ابی طالب علیه السلام چه کسی است؟!

بعد از این که سلسله‌ی بنی عباس در سال ۱۳۲ هـ ق به حکومت رسیدند، برای تصاحب سرزمین شام، وارد این منطقه شدند؛ اما با ایستادگی مردم مواجه شدند. ولی توانستند بر آنها غلبه کنند. البته، دیری نپایید که شامیان شکست خوردند. سفاح، اولین حاکم سلسله‌ی بنی عباس، بعد از رسیدن به کرسی خلافت در شام، بزرگان و علمای شام را دعوت کرد و از آنها پرسید: «چرا در مقابل پسر عموهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقاومت کردید؟» آن‌ها در پاسخ گفتند: ما اطلاع نداشتیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غیر از بنی امیه، قوم و خویشاوند دیگری دارند! <sup>(۱)</sup> این جریان، به خوبی آشکار می‌سازد که حاکمان بنی امیه، بسیاری از حقایق را، از مردمان سرزمین شام، کتمان می‌کردند تا با تداوم جهالت و ناآگاهی مردم، سالیان بیشتری حکومت کنند. هر مقدار که سطح فکری و آگاهی مردم نسبت به اوضاع حکومت ضعیف‌تر باشد، به همان اندازه، پایه‌های اقتدار حکومت‌های فاسد، مستحکم‌تر می‌شود.

از دیگر حاکمانی که از جهالت مردم، سوء استفاده می کرد، «ولید بن عقبه» بود. او از سوی عثمان، حاکم کوفه شده بود و پدرش در جنگ بدر، به دست توانای حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شد. ولید به عنوان حاکم اسلامی، آشکارا شراب می نوشید، در حالی که قرآن، بر حرمت نوشیدن شراب تصریح کرده است<sup>(۱)</sup>. روزی وی در حال مستی، برای اقامه ی نماز صبح، میان محراب می ایستد و نماز صبح را چهار رکعت می خواند! اقتداکنندگان بعد از نماز، از او سؤال کردند: چرا چهار رکعت نماز به جا آوردی؟ در جواب گفت: حالم بسیار خوب است و اگر بخواهید بیشتر هم می توانم بخوانم<sup>(۲)</sup>! ولید، همان شخصی است که «آیه ی نبأ» در مذمت وی نازل شده است. ماجرا به این صورت بود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وی را مسئول جمع آوری زکات از قبیله ی بنی المصطلق (که به تازگی مسلمان شده بودند) می کنند. مردمان قبیله او را اکرام می کنند؛ اما چون در زمان جاهلیت، بین قبیله ی وی و قبیله ی بنی المصطلق، دشمنی بوده، گمان کرد که او را می کشند. وقتی به سوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازگشت، به دروغ عرض کرد: آن قبیله، زکات نمی دهند. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این خبر خشمناک شدند و تصمیم گرفتند با آن قبیله نبرد کنند، در این هنگام، آیه ی نبأ به قلب نازنین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد<sup>(۳)</sup>.

خداوند متعال در این آیه می فرماید:

﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا  
عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾<sup>(۴)</sup>.

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۰۹، صفحه ۸۰؛ از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۴۴.

۳. مجمع البیان، جلد ۶، صفحه ۸۷؛ تفسیر تبیان، جلد ۹، صفحه ۳۴۳؛ از منابع اهل سنت:

البدایة والنهاية، جلد ۸، صفحه ۲۳۴.

۴. سوره حجرات، آیه ۶.

اگر شخص فاسقی، خبری برای شما بیاورد، درباره‌ی آن تحقیق کنید، ۱۴۲  
مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده‌ی خود پشیمان  
شوید.

این شخص فاسق، به خاطر جهالت مردم، بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله، حاکم  
بخش وسیعی از قلمرو مسلمین (شهر کوفه) می‌شود.

برای این که مردم در جهالت و ناآگاهی از دین و حقایق آن، باقی بمانند،  
خلیفه‌ی دوم، تفسیر قرآن و نقل کردن روایات پیامبر صلی الله علیه و آله را در زمان خلافت  
غاصبانه‌اش، ممنوع می‌کند<sup>(۱)</sup>. در آن زمان، روح و جان مردم، در قبال حکومت  
تسلیم شده بود، در نتیجه حاکمان غاصب، احادیث جعلی را در افکار و فرهنگ  
جامعه رواج می‌دادند تا جامعه را به سمت سقوط فرهنگی و انحطاط اخلاقی و  
اعتقادی سوق دهند. از احادیثی که به پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند تا برای تداوم  
حکومت‌شان از آن استفاده کنند، این احادیث است:

الف - «أطع كل أمير وصل خلف خلف كل إمام ولا تسبب أحداً من  
أصحابي»<sup>(۲)</sup>.

از هر حاکمی اطاعت نما و به هر امام جماعتی اقتدا کن و به هیچ یک از  
اصحاب من توهین نکن.

ب - «من يطع الأمير فقد أطاعني ومن يعص الأمير فقد عصاني»<sup>(۳)</sup>.  
کسی از حاکم و سلطان اطاعت کند، گویا مرا اطاعت کرده است و هر  
فردی که از حاکم سرپیچی کند، گویا از من سرپیچی کرده است.

۱. برای توضیح بیشتر و آشنایی با منابع منع تدوین حدیث، به کتاب سیری در آیات ولایت  
و امامت، جلد ۳، صفحه ۱۹۰ رجوع شود.

۲. از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۲، صفحه ۶۷؛ کنز العمال، جلد ۶، صفحه ۵۴.  
۳. از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۶، صفحه ۱۴؛ مسند احمد، جلد ۲، صفحه ۲۵۲.

بعضی از افراد جامعه، همچون عمروعاص، به خوبی می دانستند که حکومت حاکمان ستمگر، غصب و نامشروع است؛ اما برای دستیابی به منافع شخصی و رسیدن به پست و مقام، مهر سکوت به دهان می زدند. روزی عمروعاص به فرزندان اش گفت: برای ادامه ی زندگی، یکی از این دو راه را بیشتر ندارم؛ یا به سوی علی در کوفه بروم یا برای بیعت با معاویه، به سوی سرزمین شام رهسپار شوم. فرزندان اش گفتند: اگر بخواهی تحت فرمان الهی قرار بگیری، باید با علی بیعت کنی. عمروعاص گفت: اگر برای خدمت گزاری به نزدشان بروم، ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ بین من و سایر مسلمانان تفاوتی قائل نمی شوند، اما اگر تحت سلطه ی معاویه قرار بگیرم، وی مرا، در دنیای خودش شریک می کند<sup>(۱)</sup>!

تخریب ارزش های والای اسلامی، از جمله کارهای مهم و اساسی حاکمان ظالم بود. آنان ارزش های متحول شده را جایگزین فرهنگ اصیل اسلام کرده بودند. به عنوان نمونه، از زمان حیات حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تا حکومت عمر بن عبدالعزیز، لعن و نفرین حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ دارای ارزش شده بود<sup>(۲)</sup>؛ حاکمان غاصب، از تریبون های نماز جمعه سوء استفاده می کردند و همگان را از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ متنفر می ساختند. آنها، کینه ی حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ را در دل ها کاشته و آبیاری می کردند تا این نهال بارور شود و مردم به سیره ی حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تأسی نجویند و به پیروی از حاکمان ظالم، ادامه دهند. شدت

۱. بحارالأنوار، جلد ۳۲، صفحه ۳۷۲؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،

جلد ۲، صفحه ۶۴؛ تاریخ یعقوبی، جلد ۲، صفحه ۱۸۶.

۲. این در حالی است که طبق عقیده ی شیعیان و نیز بر اساس انبوه احادیث در معتبرترین

منابع مخالفان شیعه، معیار مؤمن یا منافق بودن انسان، محبت یا عداوت حضرت

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در قلب انسان می باشد و کسی که دشمنی حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ را در دل داشته

باشد، منافق است.

تأثیر پذیری جامعه‌ی آن روز، از اعمال ناشایست حاکمان در این جریان به خوبی مشخص می‌شود: مردی وارد مجلس حجاج بن یوسف شد و گفت: امیر! پدر و مادر من، بر من عاق شده‌اند: زیرا اسم مرا علی گذاشته‌اند<sup>(۱)</sup>. در آن زمان، جزای کسی که به سمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تمایل پیدا می‌کرد، قتل بود. یکی از علمای اهل سنت به نام شعبی می‌گوید:

« ماذا لقینا من آل علی علیه السلام إذا أحببناهم قتلنا وإن أبغضناهم دخلنا النار»<sup>(۲)</sup>.

چه مصیبتی از سوی خاندان علی علیه السلام به ما رسیده است؛ زمانی که آن خاندان علیه السلام را دوست داشته باشیم، ما را می‌کشند و هنگامی که با این خاندان علیه السلام دشمنی کنیم، داخل جهنم می‌شویم.

### اقدامات عملی حضرت امام صادق علیه السلام

این نوع حکومت بر مردم و شرایط حاکم بر جامعه، در زمان حضرت امام صادق علیه السلام نیز وجود داشت و مردم در جهل و نادانی به سر می‌بردند. در این شرایط، حضرت امام صادق علیه السلام در شهر مدینه، کرسی‌های تدریس فراوانی ایجاد کردند که حاصل آن، تربیت چهار هزار شاگرد بود. در آن شهری که در زمان حضرت امام سجاد علیه السلام، دوستداران مکتب اهل بیت علیه السلام بسیار اندک بودند. حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

« ما بمکة والمدینة عشرون رجلاً یحبنا»<sup>(۳)</sup>.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱۱، صفحه ۴۶.

۲. شرح إحقاق الحق، جلد ۳۳، صفحه ۱۷۷.

۳. بحار الأنوار، جلد ۳۴، صفحه ۲۹۷؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۴، صفحه ۱۰۴.

در تمام شهرهای مکه و مدینه، بیست مردی که ما اهل بیت علیهم السلام را دوست بدارد، وجود نداشت.

با تلاش‌های فراوان حضرت امام صادق علیه السلام، وضعیت جامعه از نظر علمی، بهبود پیدا کرد و ایشان علیه السلام، جامعه‌ی جاهل و ناتوان را به مقام هدایت و رشادت آشنایی دادند. یکی از آثار تحول در جامعه، در روز شهادت حضرت امام صادق علیه السلام پدیدار شد. بعد از شهادت، تابوت حضرت علیه السلام بر دوش چهار هزار شاگرد ایشان علیه السلام تا قبرستان بقیع، تشییع شد.

یکی از اقدامات ارزشمند حضرت امام صادق علیه السلام در رشد فکری جامعه، جمع آوری علما و بزرگان و توصیه به آنها بود. در یکی از جلسات، ایشان علیه السلام خطاب به علما می‌فرمایند:

«لأحملنّ ذنوب سفهائکم علی علمائکم ما یمنعکم إذا بلغکم عن الرجل منکم ما تکرهونه، ممّا یدخل به علینا الأذی أن تأتوه، فتؤنّبوه و تعظوه و تقولوا له قولاً بلیغاً؟» و قال له بعض أصحابه: «إذا لا یقبل منّا؟». قال علیه السلام: «أهجره و اجتنبوا مجالسته»<sup>(۱)</sup>.

هر آینه گناهان جاهلان شما را به حساب علمای شما می‌گذارم. چه چیز مانع از آن می‌شود که شما هرگاه خبری از کسی دریافت کردید که شما را ناخوشایند می‌آید و به ما آزار می‌رساند، نزد او بروید و او را نکوهش و سرزنش و موعظه کنید و با او سخن بلیغ و رسا بگویید؟ یکی از اصحاب حضرت علیه السلام گفت: اگر سخن ما را نپذیرفت، چه؟ حضرت علیه السلام فرمودند: شما هم او را ترک کنید و از مجالست‌اش کناره‌گیری کنید.



۱۴۲ با توجه به این روایت، ارشاد و هدایت مردم جامعه، وظیفه‌ی عالمان آن جامعه می‌باشد و حضور یافتن علما در جلسات یا دوری کردن علما از مجالست مردم، باید دارای آثار اجتماعی باشد؛ به عبارت دیگر، حضور علما در جلسه‌هایی که برای نصیحت و هدایت مردم باشد، موجب افزایش سطح معنوی و آگاهی جامعه می‌شود و از سوی دیگر، اگر علما از مجالسی که در آن، ارتکاب اعمال حرام صورت می‌گیرد دوری‌گزینند، موجب روی گردانی دیگر افراد از این نوع جلسات می‌شود. از توصیه‌های دیگر حضرت امام صادق علیه السلام به شیعیان این است که برای رفع اختلاف‌ها، نزد قاضی ظالم نروند. ایشان علیه السلام می‌فرمایند:

«إِذَا كَمَ أَنْ يَحَاكَمَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى أَهْلِ الْجَوْرِ»<sup>(۱)</sup>.

مبادا یکی از شما شیعیان در مورد دادخواهی از کسی از خودتان نزد حاکم جور برود.

در روایت دیگری حضرت علیه السلام می‌فرمایند:

«أَيُّمَا مَوْءَمِنٍ قَدِمَ مَوْءَمِنًا فِي خُصُومَةٍ إِلَى قَاضٍ أَوْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، فَقَضَى عَلَيْهِ بَغَيْرِ حُكْمِ اللَّهِ، فَقَدْ شَرَكَهُ فِي الْإِثْمِ»<sup>(۲)</sup>.

هر کس از شیعیان که برادر دینی خود را در اختلافی، به نزد قاضی یا سلطان ستمگر ببرد، و آن قاضی به غیر حکم خداوند، حکمی صادر کند، آن مراجعه‌کننده با قاضی در گناه چنین حکم‌کردنی، شریک خواهد بود.

شخصی نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام حضور یافت و عرض کرد: شما فرمودید:

۱. کافی، جلد ۷، صفحه ۴۱۲.

۲. من لایحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۴؛ کافی، جلد ۷، صفحه ۴۱۱.

« إِنَّ الظلمة وأعوان الظلمة يوم القيامة في سرادق من النار ، وقيل له :  
 إِنِّي رجلٌ أُخِيطُ للسلطان ثيابه ، فهل تراني بذلك داخلاً في أعوان  
 الظلمة ؟ فقال له : المعين من يبيعهك الإبر والخيوط وأما أنت فَمِنَ  
 الظلمة أنفسهم »<sup>(۱)</sup> .

همانا ظالمان و یاری کنندگان آنها در روز قیامت ، در قعر آتش جهنم  
 قرار می گیرند . آن مرد عرض کرد : من خیاط هستم و لباس های حاکم  
 را می دوزم . آیا مرا جزو یاری کنندگان حاکمان ظالم می بینید ؟  
 حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند : یاری کننده ی حاکم ، کسی است که سوزن و نخ  
 را به تو می فروشد ؛ اما تو ، خود از ظالمان هستی .

خلاصه ی سخن آنکه ، توسط وجود مقدس حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ، چهار هزار  
 نفر از منابع ارزشمند و زلال علم ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بهره مند شدند و وقتی به شهرها و  
 روستاهای مختلف ، نقل مکان کردند ، توانستند سنت های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را احیا  
 کرده و مذهب جعفری را انتشار دهند و مردم را با اسلام حقیقی آشنا سازند . امروزه  
 نیز شیعیان ، از روایات حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بهره های فراوانی می برند و از  
 برکات ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ نهایت استفاده را می کنند .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

## خودآزمایی

- ① تفاوت بین انسان مؤمن و مسلمان را بیان کنید؟
- ② در کتاب مفردات راغب، تقوا چگونه معرفی شده است؟
- ③ به چه کسی انسان صادق می‌گویند؟
- ④ چرا خداوند، انسان مؤمن را جزو صادقان قرار نداده است؟
- ⑤ حاکمان ظالم، برای پیشبرد حکومت خود به چه حیل‌هایی متوسل می‌شدند؟
- ⑥ مردم شام نسبت به وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه تصویری داشتند؟
- ⑦ نمونه‌ای از اقدامات بنی‌امیه در مورد تخریب جایگاه اجتماعی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان کنید.
- ⑧ چرا مردم شام در مقابل حاکمان بنی‌عباس، مقاومت می‌کردند؟
- ⑨ خلیفه‌ی دوم در زمان حکومت خود، چه چیزهایی را ممنوع کرد؟
- ⑩ چرا حاکمان ظالم، جعل احادیث می‌کردند؟
- ⑪ دو نمونه از اقدامات مهم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را نام ببرید؟

در این شرایط، حضرت امام صادق علیه السلام در شهر مدینه، کرسی های تدریس فراوانی ایجاد کردند که حاصل آن، تربیت چهار هزار شاگرد بود. در آن شهری که در زمان حضرت امام سجاد علیه السلام، دوستان اهل بیت علیهم السلام بسیار اندک بودند، حضرت امام سجاد علیه السلام می فرمایند: « ما بکة والمدینة عشرون رجلاً یحیننا ». در تمام شهرهای مکه و مدینه، بیست مردی که ما اهل بیت علیهم السلام را دوست بدارد، وجود نداشت. با تلاش های فراوان حضرت امام صادق علیه السلام، وضعیت جامعه از نظر علمی، بهبود پیدا کرد و ایشان علیه السلام، جامعه ای جاهل و ناتوان را به مقام هدایت و رشادت آشنایی دادند.

(صفحة ۱۵ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.  
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.  
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir